



شاخص ولایت

مصرف‌زدگی و تلاش برای دستیابی به خودکفایی در نگاه

بنیانگذار فقید انقلاب

❖ کاری از: بنیاد اندیشه اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی

در این حرکت حاضر و فعال باشند؛ زیرا جامعه از مجموعه افراد به وجود می‌آید و چنانچه هر کس در هر موقعیت و شغل - و حتی افراد درون خانه‌ها - به مصرف صحیح روی آورد، از مجموعه به هم پیوسته افراد جامعه تشکیل می‌شود و الگوی صحیح مصرف به وجود می‌آید.

در نقطه مقابل خودکفایی و استقلال اقتصادی، وابستگی و طفیلی‌گری قرار دارد که به هیچ وجه شایسته جامعه و کشور اسلامی ما نیست، زیرا وابستگی در تأمین نیازهای روزمره از جمله مواد غذایی همواره اهرمی در دستان قدرت‌های استکباری

مصرف‌زده و فاقد هرگونه فکر و عمل برای نیل به خودکفایی همواره در «وابستگی» به سر می‌برد و روی بی‌نیازی را نمی‌بیند و چشمانش به دست بیگانگان است تا نیازهای روزمره او را تأمین کنند.

بدیهی است خودکفایی «جامعه» با اصلاح الگوی مصرف نه امری یکباره است که سریع ظهور نماید و نه هدفی است که بدون حضور هر «فرد» و تلاش و حرکت او امکان‌پذیر باشد. به دیگر سخن، اصلاح الگوی مصرف به تدبیر و زمان نیاز دارد و سریع و شتاب‌آلود نمی‌توان به آن دست یافت. همچنین تمامی افراد جامعه باید

اصلاح الگوی مصرف جامعه، نیازمند برنامه‌ریزی، اشتراک مساعی، هماهنگی و حرکت هدفمند است. اگر این شاخص‌ها از فضای ذهن و فکر به حیطة عمل درآیند، می‌توان امیدوار بود که مصرف صحیح در همه چیز به نحوی مطلوب و شایسته، چهره ظاهر کند و جامعه و کشور را از رنج اسراف و آفات و زیان‌های آن مصون دارد. اصلاح الگوی مصرف در سطح کلان به «خودکفایی» منجر می‌شود و کشور را بر بلندای قله اقتدار و عزت و استقلال اقتصادی می‌نشانند. تردیدی وجود ندارد که جامعه و کشور

نگاه امام خمینی(ره) به خودکفایی و وابستگی مبنایی و ریشه‌گرفته از فرهنگ جامع و زندگی‌ساز اسلامی است؛ همان فرهنگی که عزت و سرافرازی را از شاخص‌های اصلی اهل ایمان می‌شمرد و بی‌زاری جستن از ذلت و حقارت را از بزرگ‌ترین فضایل می‌داند و به جامعه مسلمانان تفهیم می‌کند که اگر بخواهید از بردگی و اسارت‌رهایی یابید و به آزادگی برسید، باید سختی‌های این راه را که طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است بپذیرید تا در پرتو رنج تلاش در مسیر نفی وابستگی و مصرف‌زدگی به گنج خودکفایی و استقلال اقتصادی نائل آید.

به‌منظور مهیاساختن زمینه‌های استعمار سیاسی بوده است و کم بوده‌اند سرزمین‌هایی که در عین نیازمندی به قدرت‌ها و وابستگی اقتصادی به آنها در برابر استعمار سیاسی مقاومت کرده و استقلال کشور خود را صیانت نموده‌اند. تردیدی وجود ندارد که وابستگی اقتصادی آرام آرام و به مرور به وجود می‌آید و از عوامل مهم و به‌وجودآورنده آن، مصرف‌ناصحیح و فقدان یک الگوی جامع و سالم در بهره‌وری از امکانات و نعمت‌های موجود است. اگر جوامع تحت سلطه قدرت‌ها و یا کشورهای به‌استقلال رسیده و به مرور

ذوب‌شده در نظام‌های استکباری و تبدیل‌یافته به طفیلی‌گری و وابستگی شدید اقتصادی و پس از آن وابستگی سیاسی، از ابتدا از ضایع کردن نعمت‌ها و امکانات خود اجتناب می‌ورزیدند و به الگوی مصرف صحیح می‌رسیدند، هرگز در دام فقر اقتصادی گرفتار نمی‌شدند که در پی آن مجبور به پذیرش سلطه سیاسی کشورهای استکباری شوند. این کلام عمیق امیرمؤمنان(علیه‌السلام) که می‌فرماید: «سبب‌الفقر الاسراف»؛ علت اصلی فقر اسراف و ضایع کردن نعمت‌هاست»، به وضوح نشان می‌دهد که اگر ملت‌ها از نعمت‌ها به نحو صحیح استفاده نکنند، فقر اقتصادی تولید می‌شود و این مقدمه‌ای است برای دست‌نیاز به سوی قدرت‌های استعماری دراز کردن. و نیز این سخن ژرف حضرت علی(علیه‌السلام) که می‌فرماید: «لا غنی مع الاسراف؛ با اسراف‌کاری‌ها توانگری و قدرت اقتصادی به وجود نمی‌آید» همه ملت‌ها و دولت‌ها را به بیداری و بینش فرا می‌خواند که حرکت‌های مبتنی بر تجمل‌گرایی، اشرافی‌گری، میهمانی‌های پرخرج و کلان و مصارف زاید دیگر که از مصادیق بارز اسراف هستند، نه تنها دلیلی بر توانایی و قدرت اقتصادی نیست که موجب فقر کشور و وابستگی به بیگانگان می‌شود و به دنبال این وابستگی است که دولت‌ها و ملت‌های گرفتار در دام‌های گوناگون قدرت‌های سیطره‌جوی جهانی به اجبار بازار مصرف کالاهای آنها می‌شوند و آنچه باقی می‌ماند، سلطه‌پذیری و مصرفی‌شدن و از بین رفتن خودباوری و در پی آن ناتوانی در مسیر نیل به خودکفایی و توسعه است.

امام خمینی(ره) هم در جایگاه رفیع یک اسلام‌شناس جامع‌نگر و هم در مسئولیت یک مصلح و رهبر بیدار و سیاستمدار هوشیار و آگاه به سیاست جهانی و استراتژی و تاکتیک‌های حاکم بر نظام‌های حکومتی دنیای استعمار به موضوع «مصرف» و نقش آن در رشد و پیشرفت جوامع و کشورها و نیز نقشه‌های دشمنان بشریت برای تخریب الگوی

صحیح مصرف در میان ملت‌ها و دولت‌ها دیدگاه‌های روشن و راهگشایی دارند که باید به تبیین و تشریح درآیند.

عقب‌ماندگی و مصرف‌زدگی

امام خمینی انحراف ملت‌ها و دولت‌ها از الگوی صحیح مصرف را ناشی از تحرکات مخرب و نقشه‌های ضدانسانی قدرت‌های بیگانه می‌داند که با ترفندهای خود شرایط خاصی را به وجود می‌آورند که در نهایت موجب حفظ مطامع و گسترش منافع ضدانسانی آنها می‌شود.

ایشان اعلام می‌کنند: «قدرت‌های استکباری، ملت‌های ستمدیده زیر سلطه را در همه چیز عقب‌نگه داشته و کشورهای «مصرفی» بار آورده‌اند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطنی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست‌زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم.»

امام خمینی با درایت و روشن‌بینی هر چه تمام‌تر در این رهنمود به سه موضوع مهم اشاره می‌کنند:

- موضوع اول این است که قدرت‌های استکباری ابتدا به «عقب‌مانده» نگاه‌داشتن کشورهای جهان سوم می‌پردازند. این حيله و نقشه استعماری سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی جهان دارد و جای پای آن را در کشورهای زیرسلطه می‌توان مشاهده کرد.

در تاریخ بشریت نمی‌توان سراغ گرفت مصادیق و نمونه‌هایی را که قدرت‌های استعماری برای سرزمین‌ها و ملل جهان سوم از جمله سرزمین‌های اسلامی دلسوزی نموده و در صدد رفع تنگناها و موانع و مهیانمودن زمینه‌های رشد و پیشرفت آنها در ابعاد سیاسی اقتصادی فرهنگی و نظامی باشند.

- موضوع دوم «مصرفی» کردن دولت‌ها و ملت‌هاست. بدیهی است عقب‌مانده کردن کشورها تمهید و مقدمه‌ای برای مصرفی‌کردن آنهاست؛ زیرا وقتی دولت‌ها و ملت‌ها در ابعاد مختلف توسعه به هیچ



خودساخته به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده والا راهی برای ادامه حیات پابره‌ها جز تن دادن به فقر باقی نمانده است.»

این القائنات برای دولتمردان و زمامداران متزلزل جهان سوم و ملت‌های تابع آنان کاربرد دارد و تداوم‌دهنده راه سلطه قدرت‌های استعماری است. لیکن برای حضرت امام خمینی که مصلح و انقلاب‌گر و رهبر حرکت مقدسی است که در طول حرکت پیامبر اسلام و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) قرار دارد، پیشیزی ارزش و اعتبار ندارد که او با خروش سهمگین خود ارکان سیطره قدرت‌ها و چارچوب‌ها و داربست‌های حکومت کافران را لرزاند و طبیعی است که نه تنها این القائنات را بر نمی‌تابد که با نفی وابستگی در مسیر خودکفایی ملت و دولت حرکت می‌نماید.

در نگاه حضرت امام پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه آغاز تلاش و فعالیت برای رهایی از مصرف‌زدگی ناشی از سیاست‌های رژیم ستمشاهی بود که نظریه‌پردازان غربی آن در صدد پیمودن آخرین گام‌ها برای نابودی و انهدام کامل استقلال و هویت مردم مسلمان و وابسته و مصرفی کردن آن به طور مطلق بودند.

به سخنان امام خمینی بنگرید و ببینید که این پیشوای بصیر و همه‌سونگر چند ماه پس از پیروزی انقلاب چگونه به مذمت وابستگی اقتصادی و ترغیب و تشویق به حرکت در مسیر نیل به خودکفایی در تولید مواد غذایی مورد نیاز و رهایی از وابستگی و مصرف‌زدگی می‌پردازد: «یک کشوری که الان مال خودتان شده است آن کشور به دست خودتان اداره بشود... یکی از اموری که برای ما الان لازم است، این «زراعت» است... این زراعت را کوشش کنند که به‌طور شایسته انجام دهند. ما اگر چنانچه زراعت خودمان، کشاورزی خودمان نتواند کفاف برای خودمان باشد و دستمان دراز باشد پیش آمریکا و امثال آمریکا برای ارزاقمان خوب ما وابسته خواهیم بود و نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. آن وقت در جهات سیاسی هم باید

رشد و پیشرفتی نائل نیامدند و در همه چیز در رکود و سکون باقی ماندند، چاره‌ای جز گشودن دست نیاز به سوی کشورهای سلطه‌جو ندارند و از همین جاست که کالاهای متعدد به وفور و پی در پی به ممالک توسعه‌نیافته و عقب‌مانده سرازیر می‌شوند و جامعه و کشور به‌طور کامل مصرف‌زده و وابسته به بیگانگان می‌گردد. - موضوع سوم القائنات استعماری است که توسط عوامل و ایادی قدرت‌های سلطه‌جو در فرهنگ عمومی جامعه راه پیدا می‌کند و دولت و ملت را در احساس ضعف و ناتوانی فرو می‌برد و به گونه‌ای به هراس و ترس می‌افکند که قدرت هر ابتکاری در اقتصاد و صنعت از آنان سلب می‌شود و به این ترتیب سرنوشت خویش را به دست بیگانگان می‌سپرد و خود در تسلیم و اطاعت کامل درمی‌آیند.

وابستگی و خودکفایی

مصرفی شدن جوامع و کشورها با نقشه‌های شوم و ضدانسانی قدرت‌های استکباری آفت و خطر بزرگ «وابستگی» را به صورت سرنوشت محتوم کشورهای عقب‌مانده و توسعه‌نیافته رقم می‌زند و آنها را از حرکت و تلاش برای دستیابی به «خودکفایی» باز می‌دارد.

القائنات استعماری در پی تثبیت عقب‌ماندگی و خودداری از حرکت در مسیر ارتقای فکری و پیشرفت اقتصادی و ادامه حیات تحت نظارت و سیطره قدرت‌های جهانی است و به تعبیر امام خمینی آنها «با القای تفکرات و تحقیقات



مکتب‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امام خمینی انحراف
ملت‌ها و دولت‌ها از
الگوی صحیح مصرف را
ناشی از تحرکات مخرب
و نقشه‌های ضدانسانی
قدرت‌های بیگانه
می‌دانند که با ترفندهای
خود شرایط خاصی را
به وجود می‌آورند که
در نهایت موجب حفظ
مطامع و گسترش منافع
ضدانسانی آنها می‌شود.

وابسته بشویم... کشاورزی- که یکی از امور مهمه مملکت ماست و ما باید صادر کنیم محصولات خودمان را به خارج- این طور نباشد که ما باز هم گرفتار باشیم و دستمان پیش خارجی‌ها دراز باشد برای این که نان به ما بدهید! این برای یک مملکتی اولاً یک مملکت اسلامی عار است که دستش را دراز کند طرف آمریکا که شما نان ما را بدهید حالا بفروشید به ما! این یک عاری است برای ما. ما باید خودکفا بشویم در همه چیز... چرا باید ایران محتاج باشد به غیر. اینها این کار را کردند به اسم «اصلاحات ارضی»، به کلی کشاورزی را از بین بردند و مملکت را به تباهی کشیدند.» امام خمینی در این رهنمودها وابستگی و مصرف‌زدگی را برای جامعه و کشوری که از بندهای اسارت استعمار خارجی و استبداد داخلی رسته است، ننگ و عامل ذلت و خواری می‌دانند و در نقطه مقابل، آغاز حرکت برای نیل به خودکفایی را یک ارزش و مایه عزت جامعه اسلامی معرفی می‌کنند. نگاه امام خمینی به خودکفایی و وابستگی مبنایی و ریشه‌گرفته از فرهنگ جامع و زندگی‌ساز اسلامی است؛ همان فرهنگی که عزت و سرافرازی را از شاخص‌های اصلی اهل ایمان می‌شمرد و بیزاری‌جستن از ذلت و حقارت را از بزرگ‌ترین فضایل می‌داند و به جامعه مسلمانان تفهیم می‌کند که اگر بخواهید از بردگی و اسارت‌رهایی یابید و به آزادی برسید، باید سختی‌های این راه را که طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است بپذیرید تا در پرتو رنج تلاش در مسیر نفی وابستگی و مصرف‌زدگی به گنج خودکفایی و استقلال اقتصادی نائل آید.

افق دید ایشان در موضوع خودکفایی بسیار وسیع است؛ به گونه‌ای که معتقدند باید به گونه‌ای در نفی مصرف‌زدگی و نیل به خودکفایی بکوشیم که علاوه بر بی‌نیازی از قدرت‌های استکباری به صدور محصولات خویش به خارج توفیق حاصل کنیم.

این آرزو گرچه دست‌یافتنی است و در مواردی نیز -همچون خودکفایی در خرید گندم از خارج- محقق شده است، اما نیاز

به زمان دارد و با پشتوانه طرح و برنامه و کار و تلاش قابل تحقق است و قبل از همه باید الگوی مصرف جامعه اصلاح شود. امام خمینی به واقعیت تلخ اصلاحات ارضی در رژیم ستم‌شاهی اشاره می‌کنند که چگونه کشاورزی ایران را نابود کرد و کشور را به تباهی کشاند.

برای نسل جوان امروز ما رویکرد تاریخی به این واقعه بسیار ضروری است و باید این رخداد را در مسیر کسب بینش‌های لازم نسبت به ماهیت رژیم پهلوی به مطالعه و بررسی گذارند. در این رویکرد تاریخی مشخص می‌شود که طرح اصلاحات ارضی یک طرح آمریکایی برای از بین بردن کشاورزی و تبدیل ایران به بازار مصرف کالاهای آمریکایی بود و این طرح به مرور و در مراحل مختلف، مردم ایران را به دام‌های پیدا و پنهان مصرف‌زدگی - آن هم از نوع غربی و آمریکایی - گرفتار ساخت. این روند که تا امروز تداوم داشته است و آنچه تحت عنوان ضرورت اصلاح الگوی مصرف مطرح است، یافتن راهکارهای رفع همان مشکلات و موانع است که جامعه ما را هم‌اینک نیز به بیراهه می‌برد و همچنان در دام اقتصاد و مصرف‌زدگی و آمریکایی‌اسیر می‌کند.

واقعه‌از این قرار بود که «جان. اف. کندی» رئیس‌جمهور وقت آمریکا در پیام خویش به کنگره آمریکا (۱۹۶۱م، ۱۳۴۰ هـ.ش) به‌صراحت اعلام کرد که تنها پیمان‌های نظامی و ایجاد پایگاه در کشورهای کم‌توسعه برای مقابله با مخالفان مؤثر نیست، بلکه باید به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی متوسل شویم تا به این وسیله کشورهای مزبور به‌ویژه آنها را که تبدیل به میدان مبارزه علیه ما شده‌اند در دست داشته باشیم. ما با این کار می‌توانیم در این جوامع امید به‌وجود آوریم و از این طریق به اهدافمان برسیم.

ایران یکی از کشورهای موردنظر و طمع آمریکا بود و به همین منظور مقدمات اجرای طرح آمریکا آماده شد. شاه به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره توطئه‌های مرموز آمریکائیان با برنامه‌ای از قبل تنظیم‌شده به آمریکا رفت و با جان. اف. کندی دیدار کرد

و پس از گرفتن دستورات لازم به ایران بازگشت.

مطبوعات ایران در ۲۶ فروردین ۱۳۴۱ اعلام کردند: «شاهنشاه اطمینان یافتند که آمریکا پشتیبانی سیاسی و نظامی خود را از ایران ادامه خواهد داد. دستگاه دولتی آمریکا نیز به نوبه خود اطمینان یافت که شاهنشاه یک متحد استوار است که تصمیم قاطع به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی دارند.»^{۱۰}

اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مورد نظر آمریکا تحت عنوان «اصلاحات ارضی» و با شعارهای «القای رژیم ارباب - رعیتی»، «تقسیم اراضی» و به همراه امور اجتماعی و اصلاحات مربوط به آن و تحت عنوان «انقلاب سفید» توسط پهلوی دوم به اجرا درآمد.

این طرح آمریکا در بخش اقتصادی و امور کشاورزی در عمل کشاورزی ایران را نابود کرد و طبق نقشه قبلی کشور ما به بازار مصرف آمریکائیان تبدیل و گندم و سایر غلات و حبوبات از آمریکا وارد شد! در بخش اجتماعی آزادی‌های غربی و آمریکایی و مصرف کالاهای تجملی و تزئینی و پوشاک و وسایل آرایش نیز بازار ایران را به محاصره درآورد و اینگونه بود که در دوران سلطنت محمدرضا به روش استعمار نو - که دیکته شده جان. اف. کندی بود- علاوه بر مسدودشدن راه‌های رشد و پیشرفت و توسعه الگوی مصرف مردم ایران کاملاً غربی و آمریکایی شد.

به دلیل خزنده و نامرئی بودن استعمار نو، آفات و آسیب‌های ناشی از آن در فرهنگ و اقتصاد مستمر است و از همین روست که شرایط تلخ و آسیب‌زای امروز در «مصرف» ارمغان غرب و آمریکا و از پیامدهای شوم حکومت دست‌نشانده پهلوی است و راه رفع آنها تا امروز که پیش از سه دهه از عمر انقلاب و نظام اسلامی می‌گذرد صاف و هموار نشده است! به‌ویژه آنکه جریان‌های فکری و فرهنگی و اقتصادی سرچشمه‌یافته از مکاتب فکری و فلسفی غرب امروز - و بیش از دیروز - در حال تحرک و فعالیت‌های پیدا و پنهان می‌باشند.